

معرفی پژوهشکده علوم زمین و جغرافیا

نظر به اینکه از اولین برنامه‌ی توسعه در ایران حدود نیم قرن می‌گذرد، که طی این مدت ۸ برنامه توسعه در کشور به اجرا درآمده است؛ با این وجود به دلیل ماهیت برنامه‌ها که عموماً تمرکزگرا و بخشی بوده، کماکان عدم تعادل فضایی به لحاظ توسعه در کشور مشهود است؛ به طوری که ناحیه‌ی جنوب شرق (سیستان و بلوچستان) از میان ۲۸ استان کشور از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی همچنان در رتبه‌ی آخر قرار دارد و توزیع فضایی جمعیت شهری و روستایی در این ناحیه بسیار نامتوازن است. به عبارت دیگر سهم مناطق از دستاوردهای برنامه‌های توسعه بسیار متفاوت و نامتعال بوده است. خوشبختانه اینک در آخرین برنامه‌ی توسعه (برنامه‌ی سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) (۱۳۸۳-۱۳۷۹) که سال چهارم آن آغاز شده است، تأکید بر عدم تمرکز شده است، و از اینرو این برنامه به دنبال توسعه‌ی درونزا از طریق بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی منطقه‌ای می‌باشد. ناحیه‌ی جنوب شرق ایران از نظر توان‌های محیطی (به‌ویژه آب و خاک) با تنگناهای شدیدی مواجه است. با این وجود علی‌رغم تنگناهای فوق‌الذکر، این ناحیه از مزیت‌های نسبی دیگری برخوردار است که در صورت برنامه‌ریزی و تدبیر علمی، می‌تواند زمینه‌ساز تحول درونی و توسعه‌ی درونزای این منطقه با اهمیت کشور باشد.

بدین منظور و در جهت تحقق این مهم گروه‌های آموزشی جغرافیا و زمین‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان درصدد تأسیس مرکز مطالعاتی برآمدند که نهایتاً پژوهشکده‌ی علوم زمین و جغرافیا در مهرماه ۱۳۸۲ با موافقت شورای گسترش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، کار خود را در این دانشگاه با سه گروه مصوب شامل؛

- گروه پژوهشی مطالعات ناحیه‌ای و مرزها
- گروه پژوهشی برنامه‌ریزی محیطی
- گروه پژوهشی اکتشاف و منابع

به منظور تحقق اهداف و ضرورت‌های ذیل آغاز نمود:

۱- مرزی بودن ناحیه‌ی سیستان و بلوچستان (وجود حدود ۱۲۰۰ کیلومتر مرز خشکی با افغانستان و پاکستان و ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی در دریای عمان) و ضرورت مطالعه‌ی مرزها به منظور بهره‌گیری مطلوب از این موقعیت و شرایط، که با توجه به کارکردهای موجود هم‌اینک به‌عنوان یک تهدید تلقی می‌شود و بررسی چگونگی تبدیل آن به یک فرصت، با توجه به اشتراک دیرینه قومی - فرهنگی مردم دو سوی مرز.

۲- موقعیت فضایی - مکانی منطقه به عنوان معبر تجارتي با افغانستان و پاکستان و جنوب شرق آسیا از یکسو و امکان اتصال حوزه‌ی خلیج فارس و دریای عمان به آسیای میانه از طریق بندر آزاد چابهار از سوی دیگر و مطالعه و برنامه‌ریزی چگونگی بهره‌گیری از این موقعیت تجاری و ترانزیتی در منطقه.

۳- گسترش و بهینه‌سازی مبادلات فرامرزی در زمینه کالا و انرژی، زیرا در شرایط فعلی از این توان‌ها استفاده‌ی مطلوبی به عمل نمی‌آید و در بسیاری موارد خسارت‌های زیادی متوجه کشور می‌گردد.

۴- شناخت ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای همجوار و برنامه‌ریزی جهت بهره‌برداری بهینه از آن تا بتوان بر اساس آن سیاست‌های مناسب‌تری در روابط خارجی کشورمان با این همسایگان تنظیم نماییم.

۵- پدیده‌های طبیعی و انسانی متنوع منحصر به فرد (مانند: آتشفشان تفتان، گل‌فشان‌های بلوچستان، شهر سوخته سیستان و...) و مطالعه و برنامه‌ریزی جهت چگونگی بهره‌مندی از آن به‌منظور جذب توریست داخلی و خارجی از یکسو و احیاء سایر کارکردهای فرهنگی و اقتصادی، اجتماعی آن از سوی دیگر.

۶- این منطقه دارای سابقه‌ی تاریخی تعامل جمعیتی با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس بوده که این روند همچنان ادامه دارد؛ برنامه‌ریزی و ساماندهی بهینه‌ی این روند، توان بسیار خوبی در اختیار توسعه‌ی کشور قرار خواهد داد. در غیر این‌صورت مهاجرت‌های بی‌برنامه و کنترل نشده عواقب جبران‌ناپذیری برای کشور در برداشته و خواهد داشت.

۷- وجود عوامل طبیعی خاص در این ناحیه مانند: دریاها و دریاچه‌ها (دریای عمان، دریاچه‌ی هامون، تالاب جازموربان)، کویرها (کویر لوت، کویر سیستان)، کوهستان‌های خاص (کوه‌های آتشفشانی تفتان و بزمان) و مطالعه و بررسی چگونگی بهره‌گیری از آن در توسعه کارکردهای منطقه‌ای.

۸- تنوع اقلیمی (چهار فصل بودن) و وجود محصولات گرمسیری منحصر به فرد (مانند: انبه، موز، خربزه درختی، خرما و...) که بسیاری از این محصولات را از نظر تقویم زمانی تولید می‌توان هم‌هنگ با نیاز بازارهای مختلف خارجی و داخلی کشور برنامه‌ریزی نمود. مطالعه و برنامه‌ریزی در جهت چگونگی بهره‌برداری بهینه و توسعه‌ی آبی این کارکردها.

۹- شرایط اکولوژیکی و اقلیمی خاص منطقه و ضرورت مطالعه‌ی آن (مانند: خشکسالی‌ها و سیلاب‌های پی‌درپی)، به‌منظور شناسایی روندها و کارکردها و سامانمند نمودن آن.

۱۰- اکوسیستم‌های خاص حاکم بر ناحیه‌ی جنوب شرق ایران (مانند: متأثر شدن از مونسون‌های اقیانوس هند و غیره)، و مطالعه و بررسی چگونگی ساماندهی کارکردهای مترتب بر آن.

۱۱- موقعیت خاص ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک این ناحیه، و مطالعه چالش‌ها و فرصت‌ها چنان‌که از نظر ژئوپولیتیک این ناحیه در حکم پاشنه‌ی درب کشور تلقی می‌گردد.

۱۲- با توجه به اینکه فلش‌ها گسترش بسیار زیادی در استان سیستان و بلوچستان دارند اگرچه از نظر وجود عناصر فلزی ارزش چندانی ندارند، اما اکثر واحدهای سنگی آن امروزه برای مصالح ساختمانی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ که می‌توان اکتشاف و استخراج آنرا بهینه نموده و سامانمند ساخت.

۱۳- نظر به اینکه اقیولیت‌ها، رخنمون‌های زیادی در تمام بخش‌های شمالی و جنوبی این استان داشته و در همه جای دنیا از ارزش‌های اقتصادی بالایی برخوردارند و معمولاً همراه آن‌ها بعضی از عناصر فلزی چون کروم، نیکل، پلاتین، مس، سرب و روی، منگنز و حتی طلا نیز وجود دارد. در عین حال محصولات دگررسانی آن‌ها نظیر سرپانتینیت، تالک، منیزیت و غیره نیز از ارزش زیادی برخوردار هستند، همچنین واحدهای آهکی همراه آن‌ها نیز برای مصالح ساختمانی و سنگ‌های تزئینی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ لذا با مطالعات اکتشافی و علمی می‌توان به شناسایی دقیق کانسارهای فوق‌الذکر جهت بهره‌گیری از آن در توسعه این منطقه اقدام کرد.

۱۴- با توجه به گسترش کانسارهای سنگ‌های آذرین در این استان نظیر؛ باتولیت زاهدان که این واحد گرانیته‌ی مساحت زیادی از شهرستان زاهدان را اشغال کرده است و می‌تواند منبع مهمی از عناصر فلزی باشد زیرا همراه گرانیته‌های *I* معمولاً عناصری چون *Mo, Cu, Au, Ag, Pb, Zn* و همراه با گرانیته‌های *K* نیز معمولاً عناصری چون *V, Be, W, Sn* و لیتیم وجود دارد. علاوه بر آن کانسارهای گرمایی، پورفیری و اسکارن که منابع بسیاری از فلزات هستند نیز در ارتباط با تشکیل گرانیته‌ها

هستند، همچنین چون گرانیته‌ها به عنوان مصالح ساختمانی و سنگ‌های تزئینی کاربرد زیادی دارند و از گرانیته‌های زاهدان هم‌اکنون نیز جهت سنگ‌نما استفاده می‌شود؛ لذا این گروه پژوهشی در شناسایی و برنامه‌ریزی جهت بهره‌برداری بهینه از این سنگ‌ها نیز کارساز خواهد بود.

۱۵- از جایی که کمر بند معروف مس ایران که همراه سنگ‌های آذرین است از آذربایجان شروع شده و به بلوچستان می‌رسد؛ و در سرتاسر این کمر بند معادن زیادی وجود دارد که احتمال چنین معادنی در سیستان و بلوچستان نیز می‌باشد آتشفشان‌های تفتان و بزمان که بر اثر فرورانش پوسته اقیانوسی دریای عمان از محل فرورفتگی جازموریان تشکیل شده‌اند یکی از منابع بالقوه برای مواد معدنی است، به طوری که امروزه در خیلی از جاهای دنیا کانسارهای ارزشمندی چون طلا و نقره از چنین محیط‌هایی استخراج می‌گردد؛ که لازم است بررسی و شناسایی علمی در اینجا نیز صورت گیرد.

۱۶- وجود سنگ‌های آلکانل و فوق آلکانل حاکی از محیط‌های کششی در شمال شرق زاهدان تا حدودی به اثبات رسیده که ضمن ضرورت تحقیقات اکتشافاتی مکمل حتی جای تحقق برای پیدا کردن کربناتیت و کیمبرلیت الماس‌دار نیز در این ناحیه وجود دارد.

۱۷- نظر به اینکه استان سیستان و بلوچستان از نظر اقلیمی خشکترین استان کشور به حساب آمده و منابع آب این استان در برخی نقاط مانند سیستان و بعضی نقاط از بلوچستان آبهای سطحی و در سایر نقاط استان منابع آب زیرزمینی است؛ در عین حال متأثر از شرایط اقلیمی و وضعیت خاص زمین‌شناسی و توپوگرافی منطقه اکثر دشت‌های استان از ضخامت آبرفت کمی برخوردار می‌باشند، که این امر سبب شده تا اکثر سفره‌های آب زیرزمینی از ستون آب کم و به طبع آن سفره‌های ایجاد شده از آبدهی محدودی برخوردار باشند. به همین دلیل عدم سرمایه‌گذاری و مطالعه بر روی منابع آبی تهدیدی است که استان را در آینده با خطرات جدی و بحران آب روبرو خواهد ساخت.

این پژوهشکده می‌تواند کمک بزرگی به تحقیقات اکتشافات معدنی و منابع آب، همچنین برنامه‌ریزی محیطی و مطالعات ناحیه‌ای و مرزهای آبی و خاکی این استان بنماید؛ و در جهت به فعلیت رساندن امکانات بالقوه‌ی استان در اشتغال‌زایی جمع‌کثیری از جمعیت منطقه نیز نقش اساسی را ایفا نموده و نهایتاً مطالعه و شناخت مجموعه‌ی توانمندی‌های محیطی فوق‌الذکر و سایر مزیت‌های نسبی ناحیه‌ای، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جامع‌نگر آن، و ارائه راهکارهای علمی و عملی برای توسعه‌ی ناحیه‌ای توسعه‌نیافته‌ی جنوب شرق ایران، می‌تواند رهگشای توسعه‌ی منطقه‌ای این ناحیه باشد. در عین حال این پژوهشکده آمادگی همکاری و انجام مطالعات و اجرای طرح‌های تحقیقاتی پژوهشی مشترک و مستقل در استان‌های هم‌جوار و سایر نواحی کشور و احیاناً در کشورهای همسایه را نیز دارد.

دکتر عیسی ابراهیم‌زاده

رئیس پژوهشکده علوم زمین و جغرافیا

وابسته به دانشگاه سیستان و بلوچستان